

حکمرانی^۱ و رشد اقتصادی

نویسنده: مارک گرادستین
 مترجمان: رضا کیهانی حکمت^۲
 مهدی ترکمنی^۳

چکیده:

به دلیل عدم تناسب، حقوق مالکیت اکثراً به عنوان یک مسئولیت دولتی در نظر گرفته می‌شود. از این گذشته شواهد تجربی اخیر نشان می‌دهد که حقوق مالکیت می‌تواند منجر به سطوح بالاتر سرمایه‌گذاری و رشد بالاتر اقتصادی شود. با این وجود، اندازه حمایت از حقوق مالکیت در بین کشورها، بسیار متفاوت است. این مقاله حقوق مالکیت را در یک چارچوب ساده رشد بررسی می‌کند. با کمک نورث^۴ (۱۹۹۰) یک مدل معرفی می‌شود که در آن کارایی اقتصادی و اجرای حقوق مالکیت ممکن است همدیگر را تقویت کنند. شرایط اولیه تعیین‌کننده همگرایی کشور به سمت یک وضعیت پردرآمد یا کم‌درآمد هستند. شواهد تجربی موجود به طور آزمایشی این نظریه را تأیید می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: جستجوی اجاره، حقوق مالکیت، حکومت، نهادها، رشد

۱. Governance: برای این اصطلاح معادل‌های مختلفی همچون حکمرانی، حکومت‌داری و "نظام

تدبیر" پیشنهاد شده است.

۲. مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.

۳. کارشناس ارشد اقتصاد.

مقدمه:

حمایت از قانون و دستور و به‌خصوص حفاظت از حقوق مالکیت^۱ شاید پذیرفتنی‌ترین دلیل عقلایی برای مداخله دولت باشد. از لحاظ نظری، ثابت می‌شود که اجرای حقوق مالکیت که یک کالای عمومی^۲ است تنها می‌تواند از طریق اعمال دسته‌جمعی مجسم شود از لحاظ تجربی، چندین مطالعه که در زیر به تفصیل بیان می‌شوند همبستگی قوی بین قابلیت اجرای حقوق مالکیت و معیارهای کارایی اقتصاد را گزارش نموده‌اند.

هنوز هم اقتصادها، در اندازه‌ای که در آن حقوق مالکیت اجرا می‌شود متفاوتند به ویژه، چندین نمونه از شواهد تجربی یک رابطه قوی مثبت بین سطح توسعه کشور و اجرای حقوق مالکیت را نشان می‌دهند. به عنوان مثال بردهان^۳ (۱۹۹۷) تجربه سنگاپور را ذکر می‌کند که در آن رشد اقتصادی باعث یک کاهش بسیار زیاد در فساد شده است. به گونه‌ای که اکنون سنگاپور یکی از کشورهای است که دارای کمترین فساد در جهان است. مقایسه برخی تجارب اخیر در بعضی از کشورهای در حال گذار اروپای شرقی نیز در این باب جالب توجه است در حالی که کشورهایی مانند استونی و مجارستان به سطوح متوسطی در کیفیت دولت و نرخ‌های رشد سریع در دوره بعد از کمونیسم رسیده‌اند، کشورهای به نسبت عقب‌مانده‌تر مانند مولداوی و اوکراین در هر دو زمینه مذکور به چیز زیادی دست نیافته‌اند. از این گذشته، دو نفر از کارشناسان تجربه گذار در روسیه، می‌نویسند:

در اقتصادهای پیشرفته بازاری، یک نظام سستی اجرای حقوق مالکیت و انجام قرارداد توسط دولت و دادگستری فراهم می‌شود و توسط مالیات‌ها مخارج آن تأمین می‌شود. با این حال، اگر این را به عنوان نمایش اولین و بهترین راه‌حل به حساب آوریم، مفهوم چنین راه‌حلی در مورد روسیه نامیدکننده است. فرار مالیاتی در مقیاس گسترده باعث شده است که کشور بدون درآمدهای کافی حتی برای پرداخت حقوق پابینی که برای اجرای قانون به مأمورین می‌پردازد رها شود (شامل پلیس، مجری قانون و قاضی) (براگونسکی و یاولینسکی^۴، ۲۰۰۰).

1. property rights
2. public good
3. Bardhan
4. Braguinsky and Yavlinsky

این مثال‌ها، در مجموع یک رابطه بازخوردی بین توسعه اقتصادی و اجرای حقوق مالکیت نشان می‌دهند که اقتصادهای قوی حقوق مالکیت را به طور مؤثر بیشتر از اقتصادهای فقیر اجرا می‌کنند. این مقاله کوششی است برای بدست آوردن این ارتباط در یک مدل ساده زشد که با جنبه‌های اقتصاد سیاسی مخلوط شده است. فرض بر این است که یک بخش از سرمایه‌گذاران تولیدی در اقتصاد مربوط می‌شود به جستجوی اجازه بازتوزیعی^۱. این جز از منابع موجود در چنین بازتوزیعی به طور برونزا از طریق تصمیم‌هایی در مورد اندازه اجرای حقوق مالکیت تعیین می‌شوند. به طور ویژه، حقوق مالکیت را می‌توان به طور کامل با تقبل هزینه تأمین نمود. در کنار طبیعت کالای عمومی بودن حقوق مالکیت، ما فرض می‌کنیم که تولید این امر، غیرقابل تقسیم است. این امر، اطمینان می‌دهد که اجرای حقوق مالکیت، فقط در اقتصادهای ثروتمند انجام می‌گیرد که افراد به اندازه کافی توانایی دارند که هزینه اجرای آن را پردازند. اما اجرای بهتر مالکیت باعث رشد اقتصادی می‌شود و بنابراین تمایل به اطمینان یافتن و تأمین حقوق مالکیت را جاودان می‌نماید. در نتیجه دو حالت امکان‌پذیر است: یکی با حفاظت کامل حقوق مالکیت و درآمدی در سطح بالا و دیگری با حداقل حفاظت حقوق مالکیت و یک سطح درآمد پایین. یک مفهوم این تحلیل بر اهمیت سازوکارهای تعهد در اطمینان یافتن از اجرای حقوق مالکیت تأکید دارد؛ عدم وجود چنین تعهداتی ممکن است باعث سرمایه‌گذاری کمتر و جستجوی بیشتر برای اجازه شود و بنابراین رشد را کند نماید. یک مفهوم دیگر نشان‌دهنده نقش مؤسسه‌های قرض‌دهنده بین‌المللی^۲ در ارائه منابع برای انجام اصلاحات در شکل اداره کشور است به گونه‌ای که اجازه دهند یک اقتصاد فقیر، خیز بردارد و بلند شود.

این مقاله به گونه زیر ساماندهی شده است. بخش بعدی نشان‌دهنده ساختار اساسی است که با معرفی نتایج در بخش ۳ دنبال می‌شود. بخش ۴ یافته‌های تجربی، مفاهیم سیاست‌گذاری و ارتباط با ادبیات موضوع را مورد بحث قرار می‌دهد و بخش ۵ با یکسری اظهارات مختصر به نتیجه‌گیری می‌پردازد.

چارچوب اساسی

اقتصاد با یکسری از خانوارها، تشکیل شده که با اندیس ۱ مشخص می‌شوند و توسط اختلاف واحد که هر کدام مشتمل هستند بر یک والد و یک فرزند نشان داده می‌شود و در زمان t

1. Rent-Seeking Redistributive
2. International Lending Institutions

هستند. سطح اولیه درآمد خانوار y_0 است و y_1 دلالت می‌کند بر سطح درآمد در دوره t در ابتدا مقدار قانون و دستور به طوری که با نسبت درآمد محافظت شده افراد منعکس شده L_0 است به گونه‌ای که $0 < L_0 < 1$ و L_1 نشان‌دهنده نسبت درآمد محافظت شده در زمان t است.

سطح L_0 به عنوان حداقل حمایت از مالکیت تفسیر می‌شود که توسط هنجارهای اجتماعی غالب یا "قانون طبیعی"^۱ ضمانت می‌شود و بنابراین به هیچ‌گونه هزینه صریح برای انجام آن نیاز نیست. نقش عوامل غیررسمی فرهنگی در کسب حقوق مالکیت اخیراً از لحاظ تجربی مستند شده است. برای نمونه نگاه کنید به کناک و کیفر^۲ (۱۹۹۷b). از این گذشته، مورو^۳ (۱۹۹۵) و استرلی و لوین^۴ (۱۹۹۷) در تحلیل بین کشوری خود دریافتند که معیارهای قوم-شناسی^۵ به طور مستقیم به فساد و اجاره‌خواری مربوط هستند؛ السینا و دیگران^۶ (۱۹۹۹)، تأثیر منفی آن را بر مردم امریکا کشف کردند. گلاسر و دیگران^۷ (۲۰۰۰)، به این نتیجه رسیدند که بین قومیت و نژاد و اعتماد رابطه وجود دارد که به عملکرد معامله‌های اقتصادی در یک محیط آزمایشی تأثیر می‌گذارد. این عوامل می‌توانند باعث یک توجه تجربی برای سطح حداقل اولیه اجرای حقوق مالکیت شوند. برای بدست آوردن نتایج جالب، فرض می‌کنیم که L_0 مقداری کوچک باشد.

برعکس، تأمین یک حمایت کامل از حقوق مالکیت، $L_1=1$ نیازمند یک سرمایه‌گذاری پرهزینه، T ، است که از طریق مالیات تأمین می‌شود. به این دلیل که همه اشخاص در یک زمان درآمدهای یکسان دارند، بار مالیاتی نیز که برای تأمین مالی هزینه اجرا به دوش می‌کشند یکسان خواهد بود. به طوری که T را نیز می‌توان به عنوان یک هزینه منفرد در حمایت از حقوق مالکیت در نظر گرفت. این حالت جالب توجه حالتی است که در آن T خیلی کوچک نیست.

در هر دوره، اشخاص درآمد خود را بین مالیات‌ها برای تأمین هزینه قانون و اجرای آن، مصرف جاری و سرمایه‌گذاری به گونه‌ای تقسیم می‌کنند که قید بودجه برآورده شود:

1. Natural law
2. Knack and Keefer
3. Mauro
4. Easterly and Levine
5. Ethno linguistic Fractionalization
6. Alsina and Others
7. Glaeser and Others

$$y_{it} = c_{it} + k_{it} + T\delta_i$$

که در معادله بالا δ_i یک تابع راهنما است که اگر حقوق مالکیت کاملاً اجرا شود اندازه آن ۱ و اگر هیچ‌گونه سرمایه‌گذاری برای تضمین اجرای حقوق مالکیت انجام نشود اندازه آن صفر خواهد بود. هر خانوار یک واحد زمان‌دار است که بین فعالیت تولیدی w_{it} و فعالیت غیرتولیدی u_{it} تخصیص داده می‌شود به طوری‌که:

$$1 = w_{it} + u_{it}$$

درآمد ناخالص دوره بعد برای خانوار i یعنی z_{it+1} با بکار بردن سرمایه و کار به عنوان داده مطابق با فناوری زیر ساخته می‌شود:

$$Z_{it+1} = AK_{it}^\alpha W_{it}$$

که در آن $A > 0$ یک پارامتر داده شده فن‌آوری است که همه اشخاص به آن دسترسی دارند و $0 < \alpha < 1$ است که دلالت بر بازده نزولی نسبت به مقیاس دارد.

در حالی که یک جز درآمد L_i کاملاً محافظت می‌شود، مقدار $1 - L_i$ برای باز توزیع از طریق فعالیت غیرتولیدی یا جستجوی اجاره باقی می‌ماند. با قرار دادن $z_{it+1} = \int z_{it+1} di$ دلالت می‌کند بر درآمد کل افراد. بنابراین $(1 - L_i)Z_{it+1}$ مقدار درآمد در دسترس برای جستجوی اجاره است. فرض می‌شود که خرج مقدار u_{it} در جستجوی اجاره شخص i را به اندازه کسر از کل درآمد تأمین می‌کند که در این حال r' مقعر و فراینده است و $r(0) = 0$ و $r(1) = 1$ می‌باشد. این تصریح در ادبیات مربوط به اجاره‌داری بسیار متداول است، مقاله نیتزان^۱ (۱۹۹۴) مراجعه کنید. تفاوت مهم در اینجا با ادبیات جستجوی اجاره این است که در این فرمول‌بندی به دلیل این‌که هر عامل بسیار کوچک است، افراد فرض می‌کنند که تلاش‌های آنها در جستجوی اجاره نتایج جمعی به دنبال ندارد. با این حال بسط این مدل را در زیر در نظر بگیرید که این فرض را اصلاح می‌کند.

درآمد خالص دوره بعد y_{it+1} مبلغ مجموع درآمد ناشی از کار و درآمدی است که از طریق جستجوی اجاره بدست می‌آید:

$$y_{it+1} = L_i z_{it+1} + (1 - L_i) Z_{it+1} r(u_{it}) / \int r(u_{it}) di$$

1. Nitzan

این درآمد برای فرزند شخص به ارث گذاشته می‌شود. ترجیحات هر یک از والدین از مصرف و مقدار درآمدی که به یک فرزند انتقال می‌یابد، مشتق می‌گردد. با فرض ترجیحات لگاریتمی، می‌توان نوشت:

$$V(c_{it}, v_{it+1}) = (1 - \beta) \log(c_{it}) + \beta \log(v_{it+1}), 0 < \beta < 1$$

در هر دوره، افراد بالغ در ابتدا مقدار حقوق مالکیت را با قرار دادن L_t به طور دسته جمعی تعیین می‌کنند. سپس هر یک از والدین تصمیم مصرف- سرمایه‌گذاری خود را اتخاذ می‌کند. بعد تصمیم‌های دقیقی در انجام کار گرفته می‌شوند. تعادل مبتنی است بر این چنین تصمیم‌هایی که به طور دو جانبه سازگار با یکدیگر هستند.

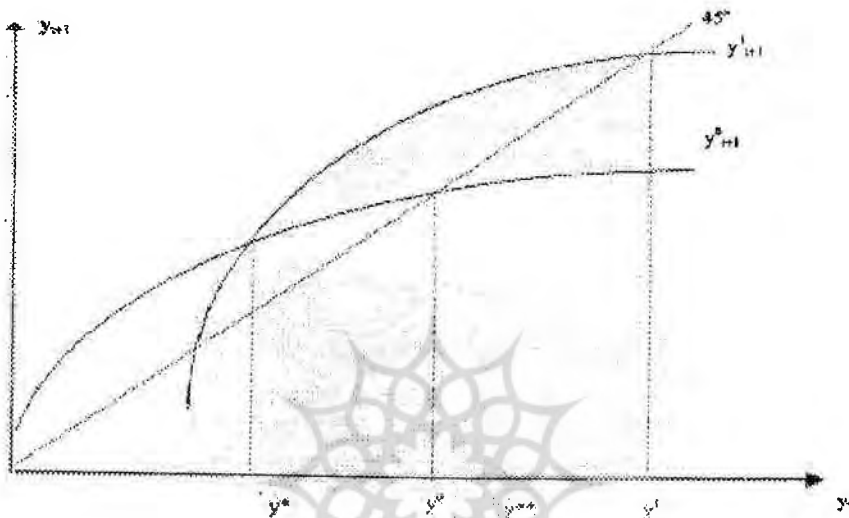
تعادل^۱

فروض بالا تضمین می‌کنند که با وجود این حالت پویا مشکل تصمیم‌گیری به طور اساسی یک مشکل ایستا است و مشتمل بر تخصیص‌های تعادلی^۲ است که توسط والدین انجام می‌گیرد. این تحلیل با تعیین اختصاص زمان بین کار و جستجوی اجاره با توجه به تصمیم‌های سرمایه‌گذاری شروع از آخر را دنبال می‌کند. جزئیات این تحلیل در ضحائم موجود وجود دارد. توجه کنید که با فرض این که پارامترهای کارایی A به اندازه کافی بزرگ است اقتصاد تحت هر نظامی به یک وضعیت درآمدی^۳ متمایل است که در آن $L_t = L_0$ و وقتی $L_t = L_1$ اقتصاد به وضعیت درآمدی^۱ میل می‌کند. با فرض این که L_0 همانگونه که ما فرض کردیم به اندازه کافی کوچک است در این مورد خواهیم داشت $v^0 > v^1$. نمودار یک با ارائه درآمد در هر دو مورد این موضوع را نشان می‌دهد. از این گذشته هنگامی که سطح درآمد جاری به اندازه کافی کوچک است درآمد دوره بعدی تحت حمایت کامل از حقوق مالکیت پایین‌تر از حالتی است که حمایت در حداقل خود باشد. دلیل این موضوع آن است که کارایی اقتصادی^۳ در شرایط حمایت کامل از حقوق مالکیت در کوتاه‌مدت در حداقل خود باشد دلیل این موضوع آن است که کارایی اقتصادی در شرایط حمایت کامل از حقوق مالکیت در کوتاه‌مدت

1. Equilibrium
2. Equilibrium Allocations
3. Economic Performance

توسط بار مالیاتی^۱ به طور معکوس تحت تأثیر قرار می‌گیرد اما بعداً ترقی خواهد داشت. این‌ها در قضیه یک در زیر خلاصه شده‌اند و در نمودار شماره ۱ نشان داده شده‌اند.

نمودار شماره ۱. تکامل درآمد گذار



قضیه ۱. مصرف جاری بیشتر است اما وضعیت سطح درآمد پایدار تحت حداقل حمایت از حقوق مالکیت پایین‌تر از وضعیتی است که حقوق مالکیت به طور کامل حمایت می‌شوند. درآمد دوره بعدی در شرایط قبلی بالاتر خواهد بود. اگر درآمد کنونی پایین باشد اما هنگامی که درآمد بالا باشد درآمد کنونی بیشتر خواهد بود.

نتیجه‌های بالا برای مقایسه رفاه بین دو نوع حکومت نتایج مستقیم‌دارند. هنگامی که درآمد کنونی پایین است مصرف و درآمد دوره بعد بدون وجود حمایت کامل از حقوق مالکیت بالاتر خواهند بود به گونه‌ای که این نوع حکومت سطح بالاتری از رفاه را با خود دارد. برعکس، هنگامی که درآمد کنونی به اندازه کافی بالا است افزایش در درآمد دوره بعد تحت انجام کامل حقوق مالکیت بیش از جبران سطح پایین‌تر مصرف است و بنابراین باعث می‌شود رفاه بالاتر

1. Tax Burden

رود. نتیجه در این جا کاملاً مسلم است: هنگامی که بار مالیاتی همراه باشد با اجرای کامل در یک اقتصاد ضعیف هنگامی که مالیات‌ها سهم کوچک‌تری از درآمد باشند باعث می‌شود که این روند متوقف شود.

قضیه ۲. هنگامی که اقتصاد به اندازه کافی فقیر است رژیم حداقل حمایت از حقوق مالکیت منجر به یک سطح رفاه بالاتر می‌شود. با این وجود در یک اقتصاد ثروتمند حمایت کامل از حقوق مالکیت یک رژیم مرجح است.

سپس می‌توان نشان داد که رفاه در درآمد تحت حمایت کامل از حقوق مالکیت سریع‌تر افزایش می‌یابد. این به همراه قضیه قبلی به این مفهوم است که یک سطح اولیه واحد درآمدی در ابتدا وجود دارد که منجر به بی تفاوتی این دو رژیم می‌شود: هنگامی که درآمد کنونی از آغاز آن بیشتر است رژیم به گونه‌ای است که حمایت کامل از حقوق مالکیت بدتر از رژیمی است که از حقوق مالکیت حداقل حمایت از حقوق مالکیت را دارد. همچنین توجه کنید که y^{**} باید از سطح درآمدی که سطح درآمد دوره بعد را یکسان می‌کند یعنی y^* بیشتر باشد. دلیل این مطلب آن است که مصرف در شرایط حمایت کامل بیشتر است. از این گذشته اگر L_0 به اندازه کافی کوچک باشد $y^{**} > y^*$ (زیرا y^* به طور مطلق کوچک است) نمودار شماره ۱ را ببینید.

حال ما در یک موقعیتی هستیم که تکامل اقتصاد را بتوانیم ترسیم کنیم. اگر سطح اولیه درآمد زیر y^{**} باشد در این صورت حداقل حمایت از حقوق مالکیت بالاتر از رفاه است. اگر نرخ رشد اقتصادی در این حالت در اقتصاد پایین باشد حداقل حمایت از حقوق مالکیت همچنان مسلط باقی خواهد ماند. به ویژه، اگر L_0 به اندازه کافی کوچک باشد سطح درآمد پایدار پایین خواهد بود یعنی $y^{**} < y^*$ که به این معنا است که تبدیل به اجرای حمایت کامل از حقوق مالکیت هرگز اتفاق نخواهد افتاد. در مقابل، اگر سطح اولیه درآمد بالای y^{**} باشد در آن صورت حمایت کامل از حقوق مالکیت انتخاب می‌شد و اقتصاد به یک سطح درآمد بالاتر^۱ همگرایی پیدا می‌کند. بنابراین تکامل اقتصاد وابسته به تاریخ است و دارای چند وضعیت با ثبات است.

در مقابل، اگر L_0 معمولی باشد در آن صورت همان‌طور که از شکل یک می‌توان مشاهده کرد اقتصاد به یک وضعیت با ثبات بالا همگرایی^۱ دارد، مستقل از شرایط اولیه آن. این حالتی

1. Converges

است که در آن حتی با یک حمایت کامل از حقوق مالکیت رشد برای غنی کردن کشور به اندازه کافی است به گونه‌ای که حمایت کامل از حقوق مالکیت متقابلاً ترجیح داده می‌شود. بنابراین بدست می‌آید:

قضیه ۳. اگر سطح اولیه اجرای حقوق مالکیت بسیار پایین باشد در این صورت تکامل بین زمانی اقتصاد بسته به سطح درآمد اولیه آن چندین نقطه تعادل را نشان می‌دهند: اگر پایین باشد سطح اولیه پایین اجرای حقوق مالکیت مسلط است و اقتصاد به یک سطح پایدار درآمد پایین همگرایی دارد. اگر بالا باشد اقتصاد سرانجام رژیم حمایت کامل از حقوق مالکیت را به عهده می‌گیرد و به سمت یک حالت پایدار با درآمد بالا همگرایی پیدا می‌کند. اگر سطح اولیه حمایت از حقوق مالکیت متوسط باشد اقتصاد حمایت کامل از حقوق مالکیت را در پیش می‌گیرد و به سوی یک وضعیت با ثبات با درآمد بالا همگرایی پیدا می‌کند که در آن از سطح اولیه درآمد مستقل است.

مباحثه

در این بخش، من در ابتدا در مورد برخی از یافته‌های تجربی به بحث می‌پردازم و سپس دو مفهوم سیاستی در مورد نتایج بالا را در نظر می‌گیرم و سرانجام، وابستگی و ارتباط این مقاله را با ادبیات موضوع بیان می‌کنم.

۱. شواهد تجربی

مطالعه‌های تجربی کمی دال بر این‌که کیفیت حکومت^۱ بر رشد اقتصادی تأثیر اندک دارد در دست است. تلاش‌های اولیه شامل بارو^۲ (۱۹۹۷)، کناک و کیفر^۳ (۱۹۹۷^{a,b})، مورو (۱۹۹۵) و سونسون^۴ (۱۹۹۸) است. شواهد بیشتر تأییدکننده و جدید در کارهای چونگ و کالدرون^۵ (۲۰۰۰) و در مقاله در حال انتشار کافمن و دیگران^۶ (۱۹۹۹) وجود دارد. در آخرین مطالعه نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند یک افزایش انحراف استاندارد در هر یک از علائم

1. Quality of Governance
2. Barro
3. Svensson
4. Chong and Calderon
5. Kaufmann and Others

حکومتی آن باعث افزایشی بین ۲/۵ تا ۴ برابر درآمد سرانه می‌گردد. کانال‌های متعددی وجود دارد که از طریق آنها این ارتباط مشخص می‌شود. به طور مثال، کناک و کیفر (۱۹۹۷b) و مورو (۱۹۹۵) دریافتند که حمایت ضعیف از حقوق مالکیت بر سرمایه‌گذاری فیزیکی تأثیرگذار است. کینگ و لوین^۱ (۱۹۹۳) دمیروگوس-کونت و ماکسیمویک^۲ (۱۹۹۸) شواهد ساده‌ای با در نظر گرفتن سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مالی^۳ ارائه نمودند.

در مورد شواهد دال بر وجود رابطه معکوس از درآمد به فساد، می‌توان با استفاده از کار کافمن و دیگران (۱۹۹۹b) این موضوع را اندازه‌گیری نمود که ارائه‌دهنده یک مجموعه از داده‌ها، در مورد کیفیت دولت در بین بیش از ۱۵۰ کشور می‌باشد که نشان‌دهنده ۶ معیار در مورد کیفیت دولت می‌باشد. محاسبه‌های خود من بر پایه این داده‌ها حاکی از این است که همبستگی جزئی بین درآمد سرانه و معیارهای متفاوت کیفیت دولت در بین این کشورها، در حدود ۷۰-۹۰ درصد است و همبستگی بین درآمد سرانه و متغیر تأمین قضایی در حد بالاتر از متوسط این دامنه است. تریسمن^۴ (۲۰۰۰) برای تأثیرهای ملایم‌کننده سطح درآمد بر فساد تأییدات تجربی بدست آورد.

این داده‌ها، در کار هال و جونز^۵ (۱۹۹۹)، کافمن و دیگران (۱۹۹۹a) و چونگ و کالدرون (۲۰۰۰) بسط داده شده و روش‌شناسی این کارها نیز ترقی یافته است. هر سه این مطالعه‌ها تصدیق می‌کنند که معیارهای مختلف قابل مشاهده دولت می‌تواند تنها به عنوان جانشین متغیر نفع^۶ به کار رود و همه مطالعه‌ها از همزمانی^۷ ارتباط بین این معیارها و رشد آگاهی دارند. در تحلیل اقتصادسنجی آنها این موضوع‌ها رعایت شده است.

کار هال و جونز (۱۹۹۹) ریشه در حسابداری رشد^۸ دارد و بر تفاوت بین کشورها در درآمد درآمد سرانه متمرکز شده است. در این کار، ارزیابی‌های موضوعی جنبه‌های حکومت مانند کارایی بوروکراتیک، فساد^۹، رعایت قانون و دستور^۱ و نیز درجه باز بودن درهای آن اقتصاد به

1. King and Levine
2. Demirgus-Kunt and Maksimovic
3. Financial Assets
4. Treisman
5. Hall and Jones
6. Variable of Interest
7. Simultaneity
8. Growth Accounting
9. Corruption

روی تجارت بین‌المللی به کار گرفته شده است. نویسندگان در اینجا ملاک‌های مختلف قوم‌شناسی و جغرافیایی تأثیر فرهنگ غربی را به عنوان یک ابزار به کار گرفتند. این مقاله با استفاده از تجارت بین بخشی ۱۲۷ کشور یافته‌های محکمی را در تأثیر مثبت حکمرانی خوب بر روی رشد اقتصادی بیان می‌نماید که تأثیر انباشت سرمایه فیزیکی و سایر اشکال سرمایه را به خوبی تأیید می‌کند. این نویسندگان استدلال می‌کنند که درجه‌ای که غرب در یک کشور نفوذ دارد یک نقش بسیار مهم در توانایی آن کشور برای طراحی نهادهای مناسب^۲ و خوب برای حکومت ایفا کرده است. کار کافمن و دیگران (۱۹۹۹^a) از بسیاری جهات مشابه است. یک مجموعه بزرگ از داده‌ها به کار برده شده و یک نیروی بسیار گسترده‌تر از ملاک‌های کیفیت دولت می‌سازد که بر مجموعه‌ای منابع ایجاد شده است. نتایج این مطالعه کم و بیش توسط نتایج هال و جونز (۱۹۹۹) تقویت می‌شود. گرچه یافته‌های هر دوی این مطالعه‌ها در کل با نظریه این مقاله سازگار هستند، اما کار چونگ و کالدرون (۲۰۰۰) را می‌توان سراسرترین نمونه حمایت‌کننده به حساب آورد. در این کار، آنها نتیجه‌گیری می‌کنند که رابطه علیت در هر دو طرف برای ادعای نظری که در بالا مطرح شد وجود دارد. در آنجا، نویسندگان رابطه دوگانه علی بین حکومت و رشد را بررسی کرده‌اند و به این نتیجه دست یافته‌اند که "تعادل چند گانه نهادی"^۳ که در آن مؤسسات خوب، رشد را بهبود می‌بخشند و این نیز برای مؤسسات مذکور نتیجه خوبی به دنبال خواهد داشت. آنها همچنین به این نتیجه رسیدند که رابطه علی در هر دو جهت وجود دارد، بنابراین ادعایی که در بالا مطرح شد تأیید می‌شود.

۲. مفاهیم سیاست‌گذاری

بر خلاف فرضی که در بالا مطرح شد در نظر بگیرید که دولت نمی‌تواند تأمین قضایی را اعمال کند. به عبارت دیگر، فرض کنید اندازه حمایت از حقوق مالکیت قبل از این که اشخاص واقعاً مشغول به جستجوی اجاره شوند تصمیم‌های آنها در مورد سرمایه‌گذاری قبلاً اخذ شده باشد. بنابراین، ابتدا تصمیم‌های سرمایه‌گذاری سپس گزینه تأمین قضایی^۴ و بعد

1. Aintenance of law and order
2. design proper institutions
3. Multiple Institutional Equilibrium
4. Choices of Rule-of-Law

تخصیص زمان انجام می‌گیرد. از آنجا که سرمایه‌گذاری که اکنون دیگر بی‌کشش^۱ است توسط تصمیم‌های اجرایی تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد، اجرای کامل اکنون دیگر زیاد مفید نیست. از این‌رو دولت انگیزه‌ای برای انجام وظیفه خود در اجرای قانون ندارد این تأکیدش بر اهمیت تعهد یک بنگاه در اجرای قوانینی است که در اصل می‌تواند توسط سایر روش‌ها مانند اجرای حقوقی، قوه قضاییه مستقل و غیره بدست آید.

نتایج بالا بر این فرض استوار است که بازار سرمایه جهانی ناقص است، به طوری که یک کشور فقیر نمی‌تواند منابعی را برای اجرای بهتر حقوق مالکیت وام بگیرد. این موضوع اهمیت دسترسی به اعتبارات برای انجام اصلاحات مورد نیاز در نظام قضایی و بنگاه‌های اجرا کننده قانون را نشان می‌دهد. چنین اعتباراتی تنها می‌تواند توسط مؤسسات وام‌دهنده بین‌المللی ارائه شوند. از این رو، تحلیل ما یک نقش مهم برای چنین مؤسساتی قائل می‌شود. در حقیقت، وام‌های بانک جهانی برای اصلاحات قانونی و قضایی در دنیا بیش از ۳۸۰ میلیون دلار ارزش دارد.

۳. ادبیات موضوع

این مقاله بر پایه کارهای نورث (۱۹۹۰) و اولسون^۲ (۱۹۹۶) قرار گرفته است که بر نقش نهادها در توسعه اقتصادی تأکید می‌کند و برخی از نتایج آن نیز به اولسون (۱۹۸۲) مربوط می‌شود که به گروه‌های ذی‌نفع^۳ به عنوان یک مانع رشد نگاه می‌کند. هر دو نویسنده به اهمیت رابطه دوگانه بازخوردی بین نهادها و کارایی اقتصادی در تحلیل غیررسمی خود اعتراف می‌کنند که این موضوع یکی از نکاتی است که در این مقاله نیز به آن پرداخته شده است.

در حالی که برای نوشتن این مقاله شواهد تجربی اخیر که در بالا به طور مختصر ذکر شد نویسنده را ترغیب کرده‌اند، نکات ویژه مدل ارائه شده مربوط هستند به دو نمونه از ادبیات موضوع بر اساس دیدگاه‌های خودشان می‌باشند. یک موضوع ساخته شده، ادبیات مربوط به نتایج اقتصادی اعمال مناسب است. مقاله‌های مهم در این ادبیات موضوع شامل اسکاپرداس^۴ (۱۹۹۲) و گروسمن و کیم^۵ (۱۹۹۵) هستند که تأکیدشان بر تعیین برون‌زای حقوق مالکیت

1. Inelastic
2. Olson
3. interest groups
4. Skaperdas
5. Grossman and Kim

بوده است. به ویژه، مقاله آخر، ظهور حقوق مالکیت را به عنوان یک تعادل تجاوزگرانه و دفاعی^۱ سرمایه‌گذاری شخصی می‌داند. این ترکیب مشترک بین مقاله حاضر و این کار، سازگاری اجرای حقوق مالکیت است.

با این حال، ادبیات موضوع در باب مفاهیم رشد اجرای حقوق مالکیت زیاد صریح نبود. ادبیات جدیدتر که توسط لین و تورنل^۲ (۱۹۹۶) و تورنل (۱۹۹۹ و ۱۹۹۷) با مثال موضوع را روشن کرده تأثیرهای محافظت ناقص از حقوق مالکیت بر رشد را مورد مطالعه قرار می‌دهد و نوعاً اقتصاد را به عنوان چیزی در نظر می‌گیرد که شامل گروه‌های ذی‌نفع رقیبی است که در یک استخر مشترک منابع^۳ رقابت می‌کنند. ارلیک و لوی^۴ (۱۹۹۹) نیز در یک مورد به نسبت مرتبط با این موضوع، ارتباط بین کیفیت دولت (فساد) و رشد اقتصادی را مورد مطالعه قرار دادند. لیکوایز و زاک^۵ (۲۰۰۲) نیز رشد اقتصادی را در سایه تهدیدات بررسی نمودند. در یک مقاله قدیمی‌تر، گرادستین (۲۰۰۲) من نشان داده‌ام که انجام کارهای بازتوزیعی منجر به رشد سریع‌تر اقتصادی می‌شود و این تأثیر در یک اقتصاد ناپایدار بزرگ‌تر است. با این حال همه این کارها تعیین برون‌زای سطح حمایت را به تنهایی در نظر نمی‌گیرد که این موضوع، یک ویژگی اساسی این مقاله است.

نتایج:

این مقاله، رابطه بین اجرای حقوق مالکیت و رشد اقتصادی را به صورت فرمول بیان می‌کند که ابتدا توسط نورث (۱۹۹۰) و اولسون (۱۹۹۶ و ۱۹۸۲) بیان شده است. یک جنبه حیاتی این مدل این است که اجرای قانون هنگام هدایت به سوی حمایت بهتر از حقوق مالکیت (و بنابراین ارتقای رشد) دارای هزینه است و نیازمند منابعی است که تنها در اقتصادهایی که به اندازه کافی قوی هستند وجود دارد. بنابراین، این تحلیل دو حالت را معرفی می‌کند: یک حالت با حداقل حمایت از حقوق مالکیت و درآمد پایین و دیگری با حمایت کامل از حقوق مالکیت و درآمد بالا. یافته‌های تجربی اخیر در حمایت از این تئوری نشان داده شده‌اند.

1. Equilibrium of Aggressive and Defensive
2. Lane and Tornell
3. Common Pool of Resources
4. Ehrlich and Lui
5. Likewise and Zak

دیدگاه ما در مورد اجرای قانون به عنوان یک کالای عمومی که از دولت انتظار می‌رود تعهد اجرای آن را بر عهده داشته باشد در ادبیات موضوع با اتخاذ رفتاری بد تفاوت می‌کند. یک کار بسیار جالب که توسط کونراد و اسکاپرداس (۱۹۹۹) و موسل و پولاک^۱ (۲۰۰۱) انجام گرفته یک روش مشکوک در مقابل دولت را نشان می‌دهد و استدلال می‌کند که می‌تواند مضر باشد حتی اگر گزینه جانشین در این جا غیبت نسبی اجرای قانون باشد. توجه به دلالت‌های این روش و دیدگاه مقابل آن برای رشد اقتصادی می‌تواند یک ادله با ارزش برای گسترش این مقاله باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Moselle and Polak

منابع و ماخذ

منابع انگلیسی

1. The Word "Processed" Describes Informally Reproduced Works that not be Commonly Available Through Library Systems.
2. Alesina, Alberto & Reza Baqir & William Easterly, "Public Goods and Ethic Divisions", *Quarterly Journal of Economics*, 1999.
3. Bardhan, P., "Corruption and Development: A Review of Issues", *Journal of Economic Perspectives*, 1997.
4. Barro, Robert J., *Determinations of Economics Growth: A Cross-Country Empirical Study*, Cambridge, Mass., MIT Press, 1997.
5. Braguinsky, Serguei & Gregory Yavlinsky, *Incentives and Institutions*.
6. *The Transition to a Market Economy in Russia*, Princeton University Press.
7. Chong, Alberto & Cesar A. Calderon, "Causality and Feedback Between Instructional Measures and Economic Growth". *Economics and Politics*, 2000.
8. Demircuc-Kunt, Asli & Vojislav Maksimovic, "Law, Finance, and Firm Growth", *Journal of Finance*, 1998.
9. Easterly, William & Ross Levine, "Africa's Growth Tragedy: Policies and Ethic Divisions", *Quarterly Journal of Economics*, 1997.
10. Ehrlich, Isaac & F.T. Lui. "Bureaucratic Corruption and Endogenous Economic Growth", *journal of Political Economy*, 1999.
11. Glaeser, Edward L. & David Laibson & Jose A. Scheinkman & Christine L. Souter, "What is Trust?", *Quarterly Journal of Economics*, 1999.
12. Gradstein, Mark. "Rules, Stability, and Growth", *Journal of Development Economics*, 2002.
13. Grossman., Herschel I. & Minseong Kim, "Swords or Plowshares? A Theory of the Security of Claims of Property", *Journal of Development Economics*, 1995.
14. Hall, R. & C. Jones., "Why do Some Countries Produce so Much more Output Per Worker than Others" *Quarterly of Journal of Economic*, 1999.
15. Kaufmann, Daniel, Kraay & Pablo Zoido-Lobaton, "Governance Matters". world Bank Policy Research WP 2196", Development Research Group, World Bank, Washington , D.C, 1999a.
16. Kaufmann, Daniel, Kraay, Aart and Pablo Zoido-Lobaton. {Retrieved on June 16, 2003 from, 1999b.
17. [Http://www.worldbank.org/wbi/governance/datasets.htm#dataset](http://www.worldbank.org/wbi/governance/datasets.htm#dataset)
18. King, Robert G. & Ross Levine, "Finance and growth: Schumpeter Might be Right", *Quarterly Journal of Economics*, 1993.
19. Knack, Stephen & Ross Levine. "Finance and growth: Schumpeter Might be Right", *Quarterly Journal of Economics*, 1993.
20. Knack, Stephen & Philip Keefer, "Why Don't Poor Countries Catch Up?", 1997a.

21. A Cross-National Test of An Institutional Explanation”, *Economic Inquiry*.
22. Knack, Stephen & Philip Keefer, “Does Social Capital Have an Economic Payoff? A cross-country investigation”, *Quarterly Journal of Economics*, 1997b.
23. Konrad, Kai A. & Stergios Skaperdas, “Extortion”, *Economica*, 1998.
24. Konrad, Kai A. & Stergios Skaperdas, “The Market for Protection and the Origin of the State.” CERR DP 2173, 1999.
25. Lane, Philip & Aaron Tornall, “Power, Growth and the Voracity Effect”, *Journal of Economic Growth*, 1996.
26. Larrain, Felipe B & Jose Tavares, “Can openness deter corruption?” Processed, 2000.
27. Mauro, Paolo, “Corruption and Growth”, *Quarterly Journal of Economics*, 1995.
28. Moselle, Boaz & Ben Polak. “A Model of a Predatory State”, *Journal of Law, Economics, and Organizations*, 2001.
29. Nitzan, Shmuel, “Modeling Rent-Seeking Contest”, *European Journal of Political Economy*, 1994.
30. North, Douglass, *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*, Cambridge University Press, 1990.
31. Olsen, Mancur, *The Rise and Decline of Nations*, Yale University Press, 1982.
32. Olsen, Mancur, “Big Bills Left on the Sidewalk: Why Some Nations are Rich, and Others are Poor.” *Journal of Economic perspectives*, 1996.
33. Skaperdas, S., “Cooperation, Conflict, and Power in the Absence of Property rights”, *American Economic Review*, 1992.
34. Svensson, Jakob, “Investment, Property Rights, and Political Instability: Theory and Evidence”, *European Economic Review*, 1998.
35. Tornell, Aaron, “Economic Growth and Decline with Endogenous Property rights”, *Journal of Economic Growth*, 1997.
36. Tornell, Aaron, “The Voracity Effect”, *American Economic Review*, 1999.
37. Treisman, Daniel. “The Causes of Corruption: A Cross-National Study.” *Journal of Public Economics*, 2000.
38. Zak, Paul. “Institutions property rights and growth”, *Louvain Economic Review*, 2002.